

راهکارهای مقابله با پدیده تروریسم تکفیری در منطقه خاورمیانه

دکتر مسعود مطلبی^۱ - علیرضا خان محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۲

چکیده:

یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از تحولات خیزش عربی نقش بسزایی در سیاست‌های منطقه خاورمیانه ایفا کرده و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان‌های سلفی‌گری تکفیری تروریستی است. تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری تروریستی به رویدادهای موسوم به "خیزش عربی" باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در غالب "دولت اسلامی عراق" یا "دولت خلافت اسلامی" معروف به "داعش" در عراق و سوریه نمود یافته است. هدف این مقاله، پاسخ به این پرسش است که برای داعش و سایر گروه‌های تکفیری تروریستی در عراق و سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه که در حال فعالیت هستند، چه راهکارهای می‌توان برای مقابله با آنها متصور شد؟ در مقام پاسخ باید گفت، در گام نخست جامعه بین‌المللی باید بر روی تعریف دقیق و مشخص از تروریسم به توافق برسند و یک رویکرد یکپارچه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم تکفیری اتخاذ کنند؛ پدیده تروریسم و تروریسم تکفیری را به صورت دقیق در قوانین داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری کنند؛ ...

واژگان کلیدی: تروریسم تکفیری، داعش، دیوان کیفری بین‌المللی، جرم‌انگاری، رویکرد یکپارچه بین‌المللی، حقوق بشر

- استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آرادشهر، گلستان، ایران
Mmthp2006@yahoo.com

- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

مقدمه:

یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از تحولات خیزش عربی نقش بسزایی در سیاست‌های منطقه خاورمیانه ایفا کرده و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان‌های سلفی‌گری تکفیری تروریستی است. در همین ابتدا باید خاطر نشان سازیم که سلفیان تکفیری، گروه‌هایی از مسلمانانند که به علت پاره‌ای از اندیشه‌ها، از جانب مخالفان به این نام مشهور شده‌اند. خاستگاه‌های اصلی این گروه‌ها عربستان و مصر است و پس از آن است که اندیشه‌های آنان به دیگر کشورهای مسلمان سرایت کرد. پس از الغای خلافت عثمانی و فروپاشی آن در ۱۹۲۴ و وقوع برخی تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در مصر، به تدریج، اندیشه تشکیل حکومت اسلامی به عنوان بدیلی برای نهاد خلافت در میان گروه‌های مسلمانی که هویت خود را در معرض نابودی می‌دیدند، مطرح شد. این گروه‌ها که به طور عمده منشعب از نهضت اخوان المسلمین، و ملهم از رویکردهای آن بودند، در دهه شصت، هفتاد و هشتاد میلادی عرصه سیاسی - اجتماعی مصر را زیر تاثیر خود قرار دادند (عدالت‌نژاد و نظام‌الدینی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

در نیمه دوم قرن بیستم عقاید سلفیه تکفیری از حوزه عربستان و مصر خارج شد و بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه را در نوردید که یکی از بهانه‌های رایج آن‌ها مقابله با اسرائیل تلقی می‌شد. این گروه‌ها در دهه ۱۹۸۰ میلادی برای با کمونیسم شوروی جان تازه‌ای گرفتند و جبهه واحدی از طریق کشورهای حوزه خلیج فارس همراه با کشورهای غربی بر علیه شوروی شکل دادند. حتی القاعده به رهبری از طالبان توانست در افغانستان به قدرت برسد. اما پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ فشارهای امنیتی بین‌المللی بر گروه‌های سلفی‌گرای تکفیری تشدید شد که ورود ایالات

متحده به صحنه و حمله به افغانستان و عراق را در پی داشت. تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری تروریستی به رویدادهای موسوم به "خیزش عربی" باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در غالب "دولت اسلامی عراق" یا "دولت خلافت اسلامی" معروف به "داعش" در عراق و سوریه نمود یافته است.

با این مقدمه به سراغ پرسش اصلی این پژوهش می‌رویم. پرسش اصلی این است که داعش و سایر گروه‌های تکفیری تروریستی در عراق و سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه در حال فعالیت هستند، چه راهکارهای کوتاه مدت و یا بلندمدتی می‌توان برای مقابله با آن‌ها متصور شد؟ در پاسخ باید گفت که در گام نخست جامعه بین‌المللی باید بر روی تعریف دقیق و مشخص از تروریسم به توافق برسند؛ یک رویکرد یکپارچه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم تکفیری اتخاذ کنند؛ پدیده تروریسم و تروریسم تکفیری را به صورت دقیق در قوانین داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری کنند؛ پذیرش صلاحیت یک نهاد بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهند؛ حقوق بشر را سرلوحه اقدامات خود در مبارزه با تروریسم تکفیری قرار دهند و در نهایت یک اقدام قاطعانه فوری برای مبارزه با این گروه‌ها در خاورمیانه تدارک ببینند.

برای رسیدن به پاسخ، در فراز نخست مقاله گروه‌های تکفیری تروریستی به صورت ریشه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند و در فراز دوم مقاله، راهکارهای بالا به بحث گذاشته خواهند شد. پژوهش حاضر از روش اسنادی یا بررسی اسناد عمده‌تاً از مقالات علمی، کتاب‌ها و اطلاعات موجود در کتابخانه‌ها و به ویژه منابع و تحلیل‌های موجود در پایگاه‌های اینترنتی (به علت جدید بودن این مسئله) استفاده می‌کند. همچنین روش تجزیه و تحلیل داده‌ها هم روش توصیفی - تحلیلی است.

۱. گروه‌های تکفیری تروریستی

واژه ترور از ریشه لاتین ترس (Ters) به معنای ترساندن و وحشت است و در عربی معاصر از لغت ارباب برای معادل آن استفاده می‌شود. برای نخستین‌بار در سال ۱۰۵ قبل از میلاد در امپراطوری روم وضعیت ترور کیمبریکوس (Terror Cimbricus) اعلام شد که به منزله نوعی وضعیتی اضطراری همراه با وحشت در واکنش به حملات قوم کیمبری بود. کیمبری‌ها از اقوام سلتی یا آلمانی بودند که همراه با توتن‌ها و آمبروس‌ها، روم را در اواخر قرن دوم پیش از میلاد تهدید کردند. در سپتامبر ۱۷۹۳ نیز مجمع ملی فرانسه رسماً اعلام نمود "نظم کنونی، نظم مبتنی بر ترور است". انقلابیون تندروی فرانسوی یا ژاکوبن‌های دست‌راستی، واژه "ترور" را با برداشتی مثبت برای توضیح نحوه برخورد خود با مخالفان به کار می‌بردند. در آن زمان، منظور از دوره ترور (regime de la terreur) یا وحشت، فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از مارس ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ را در بر می‌گرفت. در این دوره، کمیته ایمنی عمومی تحت ریاست روبسپیر بیش از بیست هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه را در سراسر فرانسه با گیوتین با قتل رساند. پس از این دوره و به ویژه پس از فاجعه نهم ترمیدور، واژه ترور بار منفی یافت و به صورت ناسزایی درآمد که حکایت از نوعی عمل بزهکارانه داشت. پس از آن "تروریسم" برای نخستین‌بار در فرهنگ‌های لغات انگلیسی زبان در سال ۱۷۹۸ درج شد و در مقابل آن چنین آورده شده است: "استفاده سیستماتیک از ترور به منزله نوعی سیاست". در عین حال تعریف تروریسم در مطالعات تروریسم همواره نوعی مساله یا معضل بوده است. (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

اجازه دهید از تعریف لغوی تروریسم گذر کنیم و به پدیده تروریسم تکفیری در سپهر

بین‌المللی بپردازیم. وقتی درباره پدیده تکفیر صحبت می‌کنیم، ابتدا باید یک بحث مفهوم‌شناسی از این مساله داشته باشیم. تکفیر به معنای خاص آن عبارت است از: "نسبت صریح خروج از دین و کفر به کسی دادن". آنچه اکنون بخشی از جهان اسلام با آن روبروست، یک نوع نابردباری دینی و نابردباری مذهبی است که البته گاه در چهره تکفیر خاص یعنی نسبت خروج دین دادن به کسی جلوه می‌کند. تفسیق (فاسق شمردن) هم همین‌طور است؛ یعنی نسبت بی‌اعتنایی عملی به احکام اسلام به کسی دادن؛ یا نسبت نفاق و دورویی به گروهی از مسلمانان دادن. یا ادعای این که کسانی متن دین را رها کرده‌اند و به حاشیه آن پرداخته‌اند. پس از نظر مفهوم‌شناسی، درست است که دادن نسبت کفر و خروج از دین به یک مسلمان، نسبت شدیدی است؛ ولی سایر نسبت‌هایی که برخاسته از نوعی روحیه تکفیری است و ریشه در نابردباری مذهبی دارد و به لحاظ آثار نیز گاه با تکفیر خاص و اصطلاحی یکسان است، همگی باید در یک مجموعه مطالعه شود. (شم‌آبادی، ۱۳۹۳: پایگاه تخصصی حقوق و فقه)

سلفی‌ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه، ابن‌القیم الجوزیه و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی می‌گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم‌پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند، اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی‌های این کشور با اقدامات و فعالیت‌های حسن‌البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه‌های

عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب‌های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه‌های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زودهنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت، به نام‌های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی براساس دیدگاه‌های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند.

از مهم‌ترین گروه‌های تکفیری تروریستی معاصر می‌توان به گردان حسن بصری، گردان زبیر بن عوام، گروه ابوایمن، گروه یاران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)، سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین تنظیم الفنیه العسکریه، جماعه المسلمین یا جماعه التکفیر و الهجره، جماعه الجهاد، گروه فتح الاسلام و ... دیگر در سراسر منطقه خاورمیانه اشاره کرد.

اما بی‌تردید هیچ‌کدام از این‌ها گروه‌های تکفیری به اندازه گروه طالبان و القاعده تأثیرگذار بر تحولات معاصر نبوده است. سلفیه با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی‌ها به رهبری "بن‌لادن" عربستانی و "ظواهری" مصری بیش از پیش توجه به گرایش‌های مبارزاتی را مورد توجه خود قرار داد. شکی نیست که حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف در تاریخ تحولات معاصر است. جریان اسلام سلفی که بعد از عربستان سعودی در قالب جنگجویان طالبانی ظاهر شده بود، منافع بسیاری از کشورهای منطقه را به خطر انداخت. قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوی و برداشت‌های ظاهری از آیات قرآن، طالبان را بر آن داشت که حتی برای مخالفان فکری و سیاسی خود نیز تعیین تکلیف کنند و رسالتی فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگیرند. این جریان فکری خود را در محدوده جغرافیایی افغانستان محدود نکرد بلکه برای خود مسئولیت اشاعه تعالیم اسلام مبتنی بر قرائت سلفی به سایر کشورهای منطقه را در نظر

گرفته بود. این گروه ضمن اختلاف نظر با سایر گروه‌های سنی، سرسختانه نسبت به شیعیان کینه می‌ورزید و به همین خاطر به مراتب سیاستی خشن در قبال آنان به کار برد. حوادث ۱۱ سپتامبر باعث ارتقای جایگاه راهبردی گروه‌های نظامی و شبه نظامی و محوریت قرار گرفتن تفکر القاعده شد. چنین پدیده‌ای از زمان پیدایش، عمدتاً از سوی تفکر استراتژیک کاخ سفید مورد حمایت قرار گرفت، اما بعدها با توجه به اصطکاک منافع آنان در منطقه، نزاعی عمیق میان آنان در گرفت و در نهایت باعث تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان شد. (غلامی، ۱۳۸۸: پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور)

تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری تروریستی به رویدادهای موسوم به "خیزش عربی" باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در غالب "دولت اسلامی عراق" یا "دولت خلافت اسلامی" معروف به "داعش" در عراق و "جبهه النصره" در سوریه نمود یافته‌اند.

الف) دولت اسلامی عراق و شام (داعش): این گروه همانطور که از نامشان پیدا است، در عراق فعال است. گروه "دولت اسلامی در عراق" در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ و پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست "ابوعمر البغدادی" به عنوان رهبر آن تعیین شد. این گروه از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۶ عملیات و حملات تروریستی بسیار را در عراق برعهده گرفت. پس از کشته شدن "ابوعمر البغدادی"، "ابوبکر البغدادی" به عنوان جایگزین وی معرفی شد. با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند. این گروه به تازگی نام خود را از دولت اسلامی عراق و شام (در اتحاد با جبهه النصره) به دولت خلافت اسلامی تغییر و رهبر خود ابوبکر بغدادی را به عنوان خلیفه مسلمانان جهان معرفی کرد. (خبرگزاری بصیر، ۱۳۹۳/۳/۲۵) پیش از حملات گسترده گروه داعش در ماه ژوئن ۲۰۱۴ آن‌ها تنها در

مناطق از استان‌های عراق به ویژه استان "الانبار" حضور داشتند و از آنجا عملیات تروریستی در کل عراق را پوشش می‌دادند. بر اساس گزارش‌ها و آمار منتشر شده، داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرد. طی این حملات ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند. اما عناصر داعش در ماه ژوئن ۲۰۱۴ در اقدامی بی‌سابقه به موصل مرکز استان "نینوا" یورش برده و ظرف چند ساعت این شهر را تصرف کردند. آنان هم اکنون همچنین شهرهای مختلفی از استان‌های همجوار نینوا را نیز در اشغال دارند.

ب) جبهة النصرة لأهل الشام: این گروه که یکی از نیروهای شورشی در سوریه به شمار می‌رود، در حین جنگ داخلی سوریه در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۱ تأسیس شد. ارتش سوریه با این گروه به مقابله پرداخت و آمریکا در دسامبر ۲۰۱۲ این گروه را یک سازمان تروریستی اعلام کرد. "ابومحمد الجولانی" رهبر این جماعت است. جبهه یاری اهل شام در اطلاعیه‌های خود تأکید کرده که تا جای ممکن از هدف قرار دادن غیر نظامیان در حملات خود دوری می‌کند و حملات خود را واکنشی در قبال "اعمال وحشیانه" نیروهای حکومتی معرفی می‌کند، اما آنچه در عمل شاهد آن بوده‌ایم، کشتار مردم و ذبح کودکان و تجاوز به زنان و سر بریدن شیعیان و علوی‌ها بوده است. نخستین اطلاعیه این گروه مسلح را مؤسسه‌ای موسوم به «مؤسسه تبلیغاتی و اطلاعاتی مناره سپید» (المنارة البيضاء) صادر کرد که در شرق دمشق، پایتخت سوریه فعالیت می‌کند. این اطلاعیه در واقع نوار صوتی کسی بود با نام مستعار ابومحمد الجولانی مشهور به "الفاتح" که فرمانروای جبهه یاری اهل شام خوانده می‌شود و در آن، وعده جهاد علیه نظام سوریه را داده و خود را نماینده جهادی‌ها در سرزمین شام معرفی کرده است. جبهه النصرة، عامل بسیاری از ترورها در مساجد بوده است و حتی علمای اهل سنت نیز از جوخه‌های ترور

آن‌ها در امان نمانده‌اند. یکی از مشهورترین ترورها بر ضد یک عالم بزرگ سنی مذهب در دمشق انجام گرفته بود. ترور علامه محمد سعید البوطی در مسجد الایمان دمشق، منجر به دستگیری همه عاملان ترور شد. جبهه النصره، یکی از بی‌رحم‌ترین گروه‌های تروریستی در دوران معاصر به شمار می‌آید که حتی به کودکان نیز رحم نمی‌کند. در شناسنامه جنایات این گروه وابسته به القاعده، کشتار اسیران نظامی فراوان به چشم می‌خورد. این گروه تروریستی، حتی به غیر نظامیان نیز رحم نمی‌کند. کشتن کودک خردسال پیش چشمان مادر و شکنجه روحی و جسمی یک زن و شوهر شیعه سوری و هزاران جنایت وحشیانه دیگر با غیر نظامیان از اقدامات این گروه بوده است. (سخن آنلاین، ۱۳۹۳) در نهایت باید گفت که صرف نظر از اینکه جبهه شام با القاعده در ارتباط است یا خیر، این جبهه را باید جبهه‌ای تروریستی قلمداد کرد که مهم‌ترین هدفش، از پیش رو برداشتن نیروهای امنیتی و نظامی سوریه و هواداران نظام بشار اسد است. هرچند ابوبکر البغدادی بعدها در پیامی صوتی ادغام "جبهه النصره" و "دولت اسلامی در عراق" را اعلام کرد تا بدین ترتیب گروه "دولت اسلامی در عراق و شام" شکل بگیرد، اما بعدها با اختلافات درونی اتحاد این دو گروه تروریستی از بین رفت و جبهه النصره تحت عنوان گروه‌های میانه رو از حمایت آشکار برخی کشورهای عربی و غربی برخوردار شد.

در نهایت باید گفت که گروه‌های تروریستی تکفیری نظیر داعش هرچند در ابتدا تنها خاورمیانه را منطقه ناامنی و جولان خود قرار دادند، اما اقدامات بعدی آنها در کشورهای غربی نشان داد که نمی‌توان از اقدامات آنها در هیچ جایی از جهان نفس راحت کشید. چرا که جهانی شدن به عملیات تروریستی بین‌المللی سرعت بخشیده است. پیشرفت‌های فناوری به قدرت تحرک تروریست‌ها کمک می‌کند و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را هم در

داخل و هم در خارج بسیار آسان می‌کند. (Crenshaw, 2005:15) به گونه‌ای که هم- اکنون گروه‌های تکفیری تروریستی را می‌توان مهمترین تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرد.

۲. راهکارهای مقابله با تروریسم تکفیری

گفته شد که هم‌اکنون گروه‌های تکفیری تروریستی را می‌توان مهمترین دغدغه امنیتی جامعه بین‌المللی تلقی کرد، اما چه اقداماتی برای مقابله با آن می‌توان انجام داد؟ این همان بحثی است که در ادامه پیگیری می‌شود.

۲.۱. توافق بر روی معنای تروریسم

یکی از نخستین اقداماتی که به نظر می‌رسد برای مقابله با پدیده تروریسم تکفیری صورت گیرد، به توافق رسیدن به روی معنایی از تروریسم و اقدامات تروریستی است. در حقوق بین‌الملل معاصر تروریسم به هر نوع فعالیت سازمان‌یافته مخفیانه‌ای اطلاق می‌شود که شامل به کارگیری خشونت در هر شکلی مثل صدمه فیزیکی یا تهدید نسبت به حیات انسان‌ها بوده و به گروهی که هدفشان ایجاد ترس و وحشت است، مرتبط می‌باشد. در نتیجه، اعمال تروریستی سبب کشتن بی‌گناهان، ایجاد تنفر و رعب و وحشت و برهم‌زدن صلح و آرامش و دموکراسی می‌شود. اما جامعه بین‌المللی تاکنون به تعریفی از تروریسم که واجد شرایط فوق باشد، دست نیافته است.

فضاسازی کشورها از مسئله تروریسم و تروریسم بین‌الملل به نفع خود می‌کند- که برای مثال، مصادیق و مشخصات آن غالباً بنا بر رویه‌ها و سویه‌های امنیتی و سیاسی و مقتضای منافع ملی ایالات متحده و هم پیمانان آن تعریف و تحدید می‌شود- یک نوع

کاربرد دلبخواهانه، ساختگی و سیاسی از معنای تروریسم است. در نتیجه، تروریسم در هر زمان در چارچوب‌های کلیشه‌ای و قالبی خاص معنا می‌شود و مصادیق و مضامین آن، آنگونه که گفتمان مسلط غربی تشخیص می‌دهد، ترسیم و تصویر می‌شود. گاه تروریسم و تروریست‌ها به عنوان حرکت‌های انقلابی از جنس و سنخ ایدئولوژی کمونیستی کدگذاری می‌شوند و گاه خلاً لیبرال - دمکراسی و رویکردهای دمکراتیک در کشورهای خاورمیانه به عنوان خاستگاه و سرچشمه شکل‌گیری جریان‌های تروریستی در این منطقه پنداشته و دانسته می‌شود. (سلیمانی، ۱۳۹۲ در habilian)

این در حالی است که تروریسم هرچند پدیده‌ای سیاسی است، اما از سایر پدیده‌هایی که سیاسی هستند و در علم سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند از جمله پدیده‌های انقلاب، شورش، کودتا، راهزنی، جنگ، عملیات چریکی و امثال این‌ها، متفاوت است. با این حال، تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد در جامعه ارباب و ترس و وحشت ایجاد کند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد. تا به حال هیچ تعریف جامع و مانعی درباره تروریسم ارائه نشده است که محققان و متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه روی آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد. اما صاحب‌نظران در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه است. بنابراین هرچند با اینکه هیچ توافق کلی‌ای روی تعریف واحد از تروریسم وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد محورهای اصلی تروریسم عبارت‌اند از: اولاً، تروریسم یک پدیده کاملاً سیاسی است؛ ثانیاً، تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است؛ ثالثاً، تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است؛ رابعاً، تروریسم یک پدیده معنادار و حامل پیامی است. معنا یا پیام آن این است که یک تروریست در طرح خواسته‌های خود و در رسیدن به هدف خود و در

رساندن مقصود و منظور خود به طرف‌های مقابل (که عمدتاً دولت‌ها هستند) به دلیل شرایط حاکم بر وضعیت موجود از راه‌هایی غیر از ترور از جمله گفتگو و مذاکره در مانده است و به نظر خودش به منظور حفظ بقاء خودش به آخرین راه‌حل یعنی ترور دست زده است. (فیرحی و ظهیری، ۱۳۷۷: ۱۴۸) عدم توافق بر سر معنای تروریسم و اقدامات تروریستی در جامعه بین‌المللی سبب می‌شود که نتوان اقدام جدی برای مقابله با آن انجام داد. هم اکنون دولت‌ها، نهادها و به عبارت بهتر کارگزاران سیاسی از این واژه بهره می‌برند تا "داخلی" و "خارجی" و "خودی" و "غیر خودی/دیگری" را متمایز و برای خویشتن هویت ثابتی فراهم آورند. این در حالی است که شدت عمل تروریسم تکفیری در خاورمیانه حاکی از آن است که یک وفاق و اجماع بین‌المللی برای مقابله با آن لازم است و باید این تعریف دلخواهانه از تروریسم را کنار گذاشت.

تاکنون درک و فهم واحد جهانی از تروریسم وجود نداشته و همین امر باعث شده که هیچگونه سیاست واحدی برای مبارزه با آن اتخاذ نشود. مسلماً اولین گام مهم در مبارزه با تروریسم، تعریف دقیق و روشن از تروریسم و خارج کردن این مفهوم از ابهام معنایی و موضوعی می‌باشد. در واقع به منظور از بین بردن تروریسم، باید ابتدا این پدیده را جراحی و بعد ریشه‌های آن را از بین برد. (آزمایش، ۱۳۸۳: ۱۹۹)

۲.۲. اتخاذ رویکرد یکپارچه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم تکفیری

جامعه جهانی برای مقابله مؤثر با پدیده تروریسم تکفیری نیازمند همکاری در سطح بین‌المللی است، زیرا دیگر تروریسم تکفیری یک موضوع ملی و داخلی صرف محسوب نمی‌شود. برای موفقیت هر عمل حقوقی، ساختارهای محیط به عنوان شرط موفقیت مطرح‌اند. یکی از شرایط تأثیر عملکرد حقوقی شکل‌گیری مؤثر همکاری و معاهدت

بین‌المللی بین کشورهاست. به عبارت دیگر اولاً باید اعمال تروریستی به گونه‌ای تعریف شوند که یک توافق اصولی راجع به تعاریف و مصادیق آن‌ها وجود داشته باشد و ثانیاً این موارد در همه کشورهای مساعدت کننده به عنوان ارتکاب عمل مجرمانه تلقی شوند. در این راستا کشورها نیازمند آنند که آیین‌های دادرسی کیفری خود را مورد تطبیق قرار دهند و نهایتاً آن‌ها را بازبینی و اصلاح نمایند. به عبارت دیگر باید که صلاحیت سرزمینی دادگاه‌ها حتی زمانی که حملات تروریستی به دست غیر اتباع و خارج از موطن و سرزمین آن‌ها انجام می‌شود به آسانی به رسمیت شناخته شود. روندی که در آن نهایتاً تروریست‌ها بازداشت، محاکمه، مجازات و نهایتاً مسترد گردند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۶۳) به نظر می‌رسد جامعه جهانی باید تلاش کند تا روحیه نظامی‌گری را که دهه‌هاست در دنیا حاکم شده به تدریج کمرنگ نموده و نهایتاً از بین ببرد. در این راهبرد کلان باید تأکید شود که امنیت بین‌المللی بیشتر و بهتر از طریق خلع سلاح، همکاری بین‌المللی و تأمین عدالت اجتماعی و نه بالا گرفتن انتقام‌گیری، عملیات نظامی و خشونت‌آمیز حاصل می‌شود. همان‌طور که جنگ علیه تروریسم بین‌المللی به طور نظام یافته‌ای به پیش می‌رود باید تلاش شود تا ماهیت تروریست‌ها و راهبردهای موثر برای مقابله با آن نیز مشخص شود. در چنین شرایط است که می‌توان این چالش دهشتناک را به یک فرصت مبدل نمود تا یک ائتلاف قدرتمند جهانی برای مواجهه با شبکه‌های تروریستی تکفیری بوجود آید.

بنابراین از آنجایی که تروریسم تکفیری یک پدیده بین‌المللی است نیازمند واکنش چند ملیتی است. در این‌جا دشمن یک کشور مشخص یا یک نیروی نظامی قابل تعریف نیست بلکه شبکه سایه‌ای از اشخاص و گروه‌هاست که در کشورهای متعددی

استقرار دارند. اگر جامعه بین‌المللی خواست مشترکی داشته باشد، تروریسم تکفیری به زانو در می‌آید و اگر این اراده شکل نگیرد این شکست نیز هرگز تحقق نمی‌یابد.

جامعه جهانی باید نقش مهم‌تر و شاخص‌تری به سازمان ملل برای طراحی و اجرای مبارزه ضد تروریستی بدهد. بسیاری از کشورها خواهان آن هستند که اقتدار بیشتر و مسئولیت فرایندتری به سازمان ملل متحد داده شود و شورای امنیت با قدرت بیشتری به اتخاذ واکنش‌های لازم و اقدامات نظامی علیه تروریسم بپردازد. بنا بر مقدمه منشور سازمان ملل متحد فلسفه وجودی این سازمان حمایت از اصول بنیادین حقوق بشر است؛ کرامت و ارزش انسان مورد احترام قرار گیرد، ایده تساهل و مدارا و زندگی در صلح تحقق پیدا کند و وحدت جامعه بشری در راستای تأمین صلح و امنیت متجلی شود. پس به نظر می‌رسد که کشورها می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسبی تفویض این نقش را به سازمان ملل متحد عملی سازند. (Eland, 2008: 23) واقعیت این است که در شرایط فعلی سازمان ملل متحد نقش مهم اما محدودی دارد. چالش اساسی در این باره این است که سازمان ملل از چه راهبردهایی برای محدود نمودن تروریسم تکفیری می‌تواند استفاده کند. نکته جایز اهمیت این است که سازمان ملل متحد باید کلان‌نگری داشته باشد و به همه دیدگاه‌ها و نظرات اهمیت دهد. از آنجایی که تروریسم قربانیان بسیار زیادی را در قاره آسیا و آفریقا و خاورمیانه داشته، شایسته است که به نظرات مختلف کشورهای جنوب نیز توجه شود.

قریب به اتفاق کشورها، تروریسم و تروریسم تکفیری را تقبیح و آمادگی خود را برای حمایت از تلاش‌های سازمان ملل متحد برای وضع و اجرای قانون اعلام کرده‌اند. بنابراین لازم است که کشورها برای نیل به مصالح جهانی از حاکمیت خود بکاهند و اختیارات بیشتری را به سازمان ملل متحد به عنوان یک سازمان فراملی بدهید. تا این

سازمان بر اساس توافقات حقوقی بتواند خواست جامعه جهانی را در مبارزه با تروریسم اعمال کند.

اگر چه سازمان ملل متحد و به ویژه یونسکو قدم‌های شایسته‌ای را برای ارتقای تعامل فرهنگی ملت‌ها بردارند، اما این سازمان‌ها نیازمند آن هستند که راهبردهای مؤثری را برای ارتقاء اطلاعات عمومی جهانیان اتخاذ کنند تا سطح تساهل، مدارا و احترام بین ملت‌ها، مذاهب و سنت‌های فرهنگی را افزایش دهند. سازمان ملل متحد باید تلاش بیشتری کند تا نشان دهد که تساهل و مدارا به معنای پیروزی سکولاریسم بر مذهب و نهایتاً تحقیر کسانی که از اعتقادات مذهبی خود پیروی می‌کنند نیست. در این راستا دبیر کل سازمان ملل متحد نقشی اساسی دارد، وی دارای جایگاه بسیار مهمی برای تبلیغ تساهل، احترام و فهم متقابل ملل از یکدیگر است. او مخاطبین زیادی دارد، اما با برنامه‌ریزی و تلاش بیشتر تعداد این مخاطبین به شکل قابل توجهی می‌تواند افزایش یابد. مقرهای سازمان ملل متحد باید بیشتر بکوشند تا از اطلاعات و ارتباطات خود در این‌باره استفاده کنند افزایش مشارکت اجتماعی مردم در فعالیت‌های ضد تروریستی نیز می‌تواند تأثیر داشته باشد.

سازمان ملل متحد برنامه‌های زیادی در زمینه‌های مختلف دارد. از جمله توسعه، فقرزدایی، آموزش اطلاعات عمومی، حقوق بین‌الملل، حاکمیت مناسب، مبارزه با فساد، جلوگیری از قاچاق اسلحه و ارتقای فهم متقابل فرهنگی. همه این‌ها ابزار خوبی برای جلوگیری از تروریسم و تروریسم تکفیری هستند، اما به تأکید همکاری و پویایی بیشتری نیاز دارند. علاوه بر اقدامات تأمینی، اطلاعاتی و نظامی لازمی که امروز، کشورها برای مبارزه با تروریسم انجام می‌دهند سامان ملل متحد باید از طریق شکل دادن به اجماع قانونی و سیاسی، تروریسم را در هر شکل آن غیر قابل قبول

بخواند. سازمان ملل متحد در حمایت از اقدامات خود در ترویج ایده تساهل و احترام متقابل به فرهنگ‌ها و پذیرش تنوع فرهنگی و برابری همه مردم باید نقش بیشتری به رهبران محلی و نمایندگان جوامع مختلف بدهد، چرا که آنان بهترین افرادی هستند که می‌توانند چنین ارزش‌هایی را بین مردم خود ترویج کنند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۶۷)

۲.۳. جرم‌انگاری اقدامات تروریستی تکفیری

با وجود آنکه تروریسم تکفیری پدیده جدیدی نوظهوری نیست، تاکنون امنیت و حیات بی‌گناهان بی‌شماری توسط این تروریست‌ها سلب یا تهدید شده است. امروزه تروریسم یکی از مباحث بحث‌انگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی کشورها می‌باشد. به رغم این که امروزه همه کشورها یک صدا تروریسم را محکوم می‌کنند، متأسفانه بحث تروریسم، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی. تروریسم به هر شکلی ظهور یابد، هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت است. در حالی که همه افراد بشر از حق بر امنیت و حیات برخوردارند و همه دولت‌ها در احترام، تضمین و تحقق این حقوق مسئولیت دارند و در این راستا بایستی سیاست‌های مؤثری را در جهت پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه به خصوص رفتارهای توأم با خشونت و سلب امنیت مردم از جمله تروریسم تکفیری و مجازات مرتکبان اقدامات تروریستی به کار بندند و به رغم رشد و آگاهی‌هایی که ملت‌ها و کارگزاران حکومتی نسبت به این حقوق زیربنایی و مسئولیت خود پیدا کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد شیوع عدم امنیت و مخاطرات جانی ناشی از اقدامات تروریستی تکفیری یا حداقل چنین احساسی در بین مردم، نسبت به گذشته افزایش یافته است.

جرم یا پدیده جنایی عبارت از فعل یا ترک فعلی است که به نظم و امنیت اجتماع اخلاص وارد می‌کند و جامعه در برابر آن به تدابیر کیفیری متوسل می‌شود. برای تروریسم تکفیری هر تعریفی در نظر گرفته شود و علل و ریشه‌های این پدیده را در هرگونه ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی ببایم، تردیدی در این واقعیت نیست که تروریسم به اصلی‌ترین حقوق انسانی تعرض می‌کند. هم‌اکنون تروریسم تکفیری در خاورمیانه تهدیدی بزرگ برای حیات و امنیت انسان محسوب می‌شود. زیرا آنچه آماج حملات تروریستی قرار می‌گیرد، مهم‌ترین ارزش‌های جامعه انسانی از جمله جان افراد بی‌گناه است و ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص از طبیعی‌ترین انتظاراتی است که اعضای جامعه از متولیان جامعه خود دارند. بنابراین جرم‌انگاری رفتارهایی که پاسخی مناسب به احساس نیاز به برقراری عدالت و امنیت غالب شهروندان باشد، به طور کامل قابل توجیه است. هرچند توسعه ابعاد و گستره اقدامات تروریستی و صدمات جانی و مالی ناشی از تروریسم باعث شده است که بسیاری از کشورها برای مقابله با آن قوانین ویژه‌ای در جهت تشدید مجازات و تسریع دادرسی و تقویت دستگاه‌های امنیتی و پلیسی به تصویب برسانند (حکیمی‌ها، ۱۳۹۰: ۸۴)

با وجودی که پدیده تروریسم مساله تازه‌ای نیست، اما تهدیداتی که اخیراً از ناحیه اقدامات گروه‌های تروریستی تکفیری متوجه جوامع مختلف شده است، ویژگی و حساسیت خاصی نسبت به سایر پدیده‌های حقوقی ایجاد کرده است. تهدیدات ناشی از این اقدامات تروریستی، در چارچوب سرزمین معین نمی‌گنجد و به تهدیدی جهانی مبدل شده است. تروریسم تکفیری، ارزش‌هایی که بنیان منشور ملل متحد است از قبیل: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین و مقررات ناظر به حمایت از غیرنظامیان در جنگ، بردباری و تساهل میان ملت‌ها و کشورها و حل و فصل مسالمت

آمیز اختلافات را هدف قرار می‌دهد. بدین سبب سازمان ملل متحد تاکنون کنوانسیون‌های متعددی در زمینه مبارزه با تروریسم تدوین کرده است. چندین قطعنامه نیز از جانب شورای امنیت صادر شده که طی آن کشورها را به امر مبارزه با تروریسم فراخوانده است. (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۴۷) امروزه تروریست‌های تکفیری با سو استفاده از گسترش حمل و نقل هوایی، انقلاب ارتباطات، اقتصاد جهانی خصوصی و ایجاد جهان بدون مرز، از شیوه‌های جدیدی برای ایجاد ناامنی و رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. در نظام حقوقی کشورهای دنیا، ساز و کارهای مبارزه موفق با تروریسم تکفیری، کارآمد و به روز نیست؛ هر چند جرایم تروریستی به عنوان مصداقی از عملیات تروریستی مورد حکم قانونگذاران کشورها قرار گرفته است. تنوع و پیچیدگی اعمال تروریستی، سازمان یافتگی و فراملی شدن آن ضرورت بازنگری و جرم انگاری تروریسم را آشکار می‌سازد و کشورها باید با درک این مهم، قوانین کارآمد در این زمینه تصویب کند.

۲.۴. پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

جامعه جهانی و سازمان ملل متحد می‌توانند به طور مؤثری از حقوق بین‌الملل برای مبارزه و مجازات عاملان اقدامات تروریستی تکفیری استفاده کنند. زیرا تمامی کنوانسیون‌های ضد تروریسم، ضمن دارا بودن مبنای حقوقی مستحکم جهت اقدام علیه اعمال تروریستی، با ایجاد یک سیستم اجرایی مؤثر، زمینه اعمال مجازات را نسبت به مجرمان فراهم آورده‌اند. اما این مبنای حقوقی نیازمند اقتداری بیشتر و قلمروی گسترده‌تر است تا اقدامات اثر بخشی در ابعاد گوناگون تروریسم انجام گیرد. (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷: ۲۴۷) یکی از ابزارهای مهم حقوق بین‌الملل، دیوان کیفری بین‌المللی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

هرچند در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشاره صریحی به جرایم تکفیری تروریستی نظیر داعش نشده است، اما این جرائم را می‌توان براساس حقوق بین‌الملل کیفری، خاصه ذیل ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، یعنی جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات ضد بشری جای داد و بر این اساس گفت که دیوان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارد. نگاهی گذرا به اقدامات تروریستی طی چند دهه اخیر و به طور خاص جنایت اخیر گروه تروریستی تکفیری نظیر داعش در خاورمیانه نیز نشان می‌دهد که این اقدامات عمدتاً جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات ضد بشری تلقی می‌گردند، جنایاتی که در مقررات بین‌المللی علیه آن‌ها جرم‌انگاری شده است. بر همین اساس است که می‌توان استدلال کرد با وجود فقدان اشاره اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به جرایم تروریستی، این دیوان صلاحیت رسیدگی به این جنایات بین‌المللی را دارد.

با توجه به مقدمات بالا هم اکنون می‌توان گفت که جنایات بین‌المللی گروه تروریستی تکفیری خاورمیانه نظیر داعش را باید براساس صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تحت پیگرد قرار داد. زیرا این گروه‌های تکفیری مرتکب مجموعه وسیعی از جنایات ذیل صلاحیت دیوان شده است که عبارتند از: اعدام صدها تن از زندانیان جنگی (Reuters, 28:2014)؛ کشتن بیش از هزار تن از شهروندان غیرنظامی (RTTnews, 24:2014)؛ اعدام دسته‌جمعی نزدیک به ۲۵۰ نفر از سربازان ارتش سوریه نزدیک پایگاه هوایی "طبقه" (Reuters, 28:2014)؛ مجازات مرگ، شکنجه و یا قطع عضو برای اجبار به پذیرش عقیده اسلامی براساس تفسیر داعش از اسلام سنی و قوانین شریعت (McCoy, 13:2013)؛ مورد هدف قراردادن جوامع مسلمان غیر عرب و غیر سنی، آوارگی بیش از ۸۳۰ هزار تن (BBC News, 2:2014)؛ کشتن بیش از هزار

نفر شهروندان غیرنظامی عراقی در طول هفده روز از ۵ تا ۲۲ ژوئن (RTTnews,24:2014). بر این اساس، باید گفت که بیشتر این جنایات در قالب صلاحیت‌های سه‌گانه دیوان کیفری بین‌المللی قابل پیگیری است.

۲.۵. احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون

متأسفانه شیوه کنونی «جنگ با تروریسم» چارچوب حقوق بشر بین‌المللی را که از جنگ جهانی دوم به این سو بنا شده را تهدید می‌کند. جنگ علیه تروریسمی که بدون رعایت حاکمیت قانون آغاز شده، همان ارزش‌هایی را که قرار است مورد حمایت قرار دهد، تهدید می‌کند. لذا می‌بایستی با تأکید مجدد بر چارچوب حقوق بشری که اقدامات مؤثر و مشروع در واکنش به حملات تروریستی را می‌پذیرد، بین آزادی و امنیت توازن برقرار شود. (هافمن، ۱۳۸۵:۱۳۱) بنابراین تعهد به حمایت از حقوق بشر و تأمین امنیت هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی فقط زمانی می‌تواند تضمین شود که مبتنی بر احترام به حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون باشد. این امر یک واقعیت بنیادین است که غالباً در گفتمان مبارزه با تروریسم نادیده انگاشته می‌شود. هم‌اکنون مبارزه با تروریسم تکفیری خاورمیانه تحت هیچ شرایطی نباید منجر به نقض حقوق بشر شود؛ اقدامات ضد تروریستی در هر فرایند و تابع هر ملاحظاتی که باشد، باید توازنی معقول و نظامند میان جنبه‌های تهدیدکننده تروریسم بر حقوق بشر و جنبه‌های حقوق بشر اقدامات ضد تروریستی و عواقب آن برقرار شود. نظام بین‌المللی حقوق بشر از چنان انعطافی برخوردار است که امکان مقابله مؤثر با تروریسم تکفیری در ضمن رعایت این حقوق وجود دارد. در طولانی مدت حقوق بشر یکی از راه‌های پیشگیری از تروریسم است. به همین دلیل از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تروریسم یک پدیده است و قاطبه اقدامات دولت‌ها در مبارزه با این پدیده از جمله اقدامات اطلاعاتی، پلیسی، قضایی

و یا توقیف سرمایه‌های متعلق به گروه‌های تروریستی و حامیان آن‌ها از جمله اقداماتی محسوب می‌شود که نمی‌توان از آن‌ها به عنوان جنگ یاد کرد و از طرف دیگر، تروریسم به عنوان یک پدیده نمی‌تواند در غالب موارد به عنوان یک طرف خصمه محسوب شود. (آقایی خواجه پاشا، ۱۳۹۲: ۲۵۱)

در نهایت باید گفت که راهکارها مقابله با اقدامات گروه‌های تکفیری تروریستی بایستی موضوع احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را مورد توجه جدی قرار دهد. اقدامات مربوط به مبارزه با تروریسم و نیز نحوه رفتار با مظنونین می‌بایستی با در نظر گرفتن اصول اولیه از جمله حق آزادی بیان، حق برخورداری از محاکمه بی‌طرفانه و شفاف همراه باشد. در غیر این صورت این اقدامات می‌تواند به اقدامات افراط‌گرایانه گروه‌های تکفیری تروریستی در خاورمیانه دامن بزند.

۲.۶. راهکار عملیاتی قاطعانه در مبارزه با تروریسم تکفیری

پیروزی در جنگ با تروریسم تکفیری تنها با استفاده از نیروی نظامی (قدرت سخت) ممکن نیست و باید از قدرت دیپلماتیک و اقتصادی، تقویت قانون، همکاری‌های سیاسی و حقوقی و اطلاعاتی - امنیتی و هر نوع وسیله دیگری یعنی استفاده از قدرت هوشمند در این مبارزه سود جست. این نیازمند یک راهکار عملیاتی سه مرحله‌ای است. این روند سه مرحله‌ای را برای اقدام، برای ارزیابی یک اقدام قاطعانه باید لحاظ شود. در گام نخست باید به پیشگیری دست زد. در پیشگیری می‌بایستی علل و عواملی را که بحران تکفیری و تروریستی از آن ناشی می‌شود، از بین برود. اما پیگیری علل ریشه‌ای اقدامات گروه‌های تکفیری تروریستی، به زمان و هزینه بالایی احتیاج دارد که با توجه به حجم و

تعداد بسیار این نوع مسائل در جهان، این مسئولیت بیشتر بر عهده دولت حاکم در سرزمین است، و اقدامات بین‌المللی در این زمینه چندان موفقیت آمیز نبوده است.

تروریسم یک معضل جهانی است و به همین دلیل ما باید در کنار هم به صورت یک اجتماع منحصر به فرد، یک اجتماع انسانی از آن پیشگیری و با آن مبارزه کنیم. تروریسم یک دام مرگبار است که بسیاری از کشورها و ملت‌ها را درگیر می‌کند، جان مردم را می‌ستاند و مدل‌های فرهنگی را نابود می‌کند و یک تهدید واقعی برای تکامل جهان محسوب می‌شود. شکست دادن تروریسم و از همه مهم‌تر پیشگیری از آن در وهله اول به معنای جنگیدن با خودمان، تلاش در احترام گذاشتن به فرهنگ‌ها و انسان‌هایی متفاوت با خودمان و شناخت آنهاست نه به معنای تحمیل کردن الگوی خودمان از زندگی، از نظام حقوقی و از نظام اقتصادی. اغلب جنگ به عنوان راه حلی طبیعی علیه مردم تلقی می‌شود که برای ما قابل فهم نیست؛ ما اراده‌ای برای به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به حقوق مدنی و اجتماعی آنها و شیوه‌شان از نظر تکوین یافتن یک جامعه و ملت را نداریم. (دوسانتی، ۱۳۹۲ در iwpeace)

بهترین راه برای شکست دادن تروریسم پیشگیری از آن است. این راستایی است که سازمان ملل و جامعه بین‌الملل باید از طریق یک برنامه جهانی پیش بگیرد، برنامه‌ای که بودجه آن توسط سازمان ملل تأمین شده و اعلام می‌شود و طی همکاری با یونسکو، یونیسف، سازمان‌های بشر دوستی و سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی در تمام کشورها محقق می‌شود. این قسم پروژه به صبر و تحمل، مطالعه، انسجام، دقت و توجه، پشتکار و تعهد سیاسی و اجتماعی جدی نیاز دارد. باید گفت‌وگو میان مذهب و میان فرهنگی را در بین کشورها رواج دهیم تا بتوانیم به خاطر صلح پا بر جا بمانیم. باید

دانش احترام اخلاقی به همه انسان‌ها و همه فرهنگ‌ها و مردم کره زمین را مانند
خاطره‌ای فراموش نشدنی در ذهن خود بنگاریم. (دوسانتی، ۱۳۹۲ در iwpeace)

فارغ از بحث پیشگیری، امروزه با این واقعیت انکار ناپذیر روبرو هستیم که تروریسم
تکفیری موجود در خاورمیانه، امنیت ملی کل منطقه خاورمیانه و جهان را تهدید می‌کند
و همه کشورها از ناحیه جریان‌ات تکفیری تروریستی با آسیب‌ها و تهدیداتی جدی روبه
رو هستند. اگرچه سوریه و عراق به صورت بالفعل با این تهدید درگیر هستند، اما به طور
مستقیم و غیر مستقیم همه کشورها از این ناحیه تهدید می‌شوند. بنابراین به یک راهبرد
نظامی مؤثر برای مقابله با این گروه‌های تکفیری تروریستی نیاز است. موضوع و
همکاری‌های نظامی سیاسی کشورهای مختلف در منطقه خاورمیانه برای مقابله با
تروریسم یک اهمیت خاصی دارد. راهبرد نظامی مؤثر در خاورمیانه از دو بعد حائز
اهمیت است، بعد نخست این است که قدرت هجومی را از تروریست‌های تکفیری برای
حمله به مواضع جدید خواهد گرفت و دوم اینکه به تدریج مناطق اشغالی خاورمیانه از
سیطره تروریست‌ها خارج می‌شود.

در نهایت در مرحله سوم، پس از انجام مداخله نظامی، مسئولیت جامعه بین‌المللی
پایان نمی‌پذیرد، بلکه هنوز مسئولیت ادامه دارد تا وضعیت کشورهای خاورمیانه به
وضعیت عادی برگردد و همان شرایطی را فراهم آورد که برای رفع علل و عوامل ریشه‌ای
بحران تکفیری تروریستی نیازمند آن هستیم. بنابراین در این مرحله بر ادامه مسئولیت
جامعه بین‌المللی تا بازسازی کشورهای خاورمیانه نیاز داریم. تروریست‌های تکفیری
خاورمیانه، جهادگرانی هستند که به زغم خود برای احیای اسلام تلاش می‌کنند و باید با
این خشونت طوری برخورد کرد که کاهش پیدا کند و از بین برود و تنها راه نظامی
جوابگو نیست. زیرا گروه‌های تکفیری یک گروه ایدئولوژیک و با انگیزه هستند، تنها از

طریق نظامی نمی‌توان با آنها برخورد کرد و باید برخورد ضد ایدئولوژیک صورت گیرد. آنها دارای یک سری افکار هستند که در آنها که ایجاد انگیزه و قدرت می‌کند. در واقع، باید جلوی آن تفکر را گرفت که هم ایجاد انگیزه برای کشتن انسان‌ها می‌کند. تنها راهکار نظامی برای مبارزه با آنها کافی به نظر نمی‌رسد و باید از طریق ایدئولوژیک و فرهنگ سازی طولانی مدت در مورد جنایات آنها افشاگری کرد. همان چیزی که به آنها انگیزه و قدرت می‌دهد را باید آن را از بین برد. خشونت خشونت را به بار می‌آورد. عملیات نظامی آمریکایی‌ها در افغانستان باعث تقویت طالبان شد، پس راه حل نظامی تنها راهگشا نیست و راه حل فرهنگ‌سازی و ایدئولوژیک با این گروه‌ها صورت گیرد. (ملازهی، ۱۳۹۳، در pana)

نتیجه‌گیری:

همانطور که در این مقاله بحث شد، تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری تروریستی به رویدادهای موسوم به "خیزش عربی" باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در غالب "دولت اسلامی عراق" یا "دولت خلافت اسلامی" معروف به "داعش" در عراق و سوریه نمود یافته است. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش بود که هم‌اکنون که داعش و سایر گروه‌های تکفیری تروریستی در عراق و سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه در حال فعالیت هستند، چه راهکارهای کوتاه مدت و یا بلند مدتی می‌توان برای مقابله با آنها متصور شد؟ در مقام پاسخ استدلال‌های زیر به بحث گذاشته شد که در گام نخست جامعه بین‌المللی باید بر روی تعریف دقیق و مشخص از تروریسم به توافق برسند؛ یک رویکرد یکپارچه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم تکفیری اتخاذ کنند؛ پدیده تروریسم و تروریسم تکفیری را به صورت دقیق در قوانین داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری کنند؛ پذیرش صلاحیت یک نهاد بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی را مورد بررسی قرار

دهند؛ حقوق بشر را سرلوحه اقدامات خود در مبارزه با تروریسم تکفیری قرار دهند و در نهایت یک اقدام قاطعانه فوری برای مبارزه با این گروه‌ها در خاورمیانه تدارک ببینند.

همچنین شایسته است که جامعه بین‌المللی تمام انرژی خود را برای مبارزه با تروریسم و التیام زخم‌های حاصل از آن به کار گیرد ولی شیوه برخورد با این مساله برای آینده بشریت بسیار سرنوشت‌ساز است. این مبارزه اگر با تامل و دوراندیشی و ژرف‌بینی و سازماندهی مناسب همراه باشد موجب وحدت در جامعه بین‌المللی شده و بدینسان مواجهه با مشکلات قرن بیست و یکم یعنی نگرانی فزاینده در مورد سرنوشت عدالت و همبستگی جهانی و حل این مشکلات آسان می‌شود در غیر اینصورت اگر این مبارزه و شیوه‌های آن بدون مطالعه و جامع‌نگری باشد مستعد تولید خشونت و سرکوب و بروز خطرات ناشی از آنهاست. در نتیجه هیچکس توان غلبه بر این مشکلات را نخواهد داشت بویژه اگر دولت‌های قوی فقط به دنبال منافع خاص خود باشند.

با توجه به اهداف جنایتکارانه تروریسم، اغلب قربانیان این جرم در شمار بی‌گناه‌ترین افراد قرار می‌گیرند و از این‌رو، حمایت ویژه از حقوق قربانیان تروریسم اهمیت خاصی دارد. برخی از این حقوق مربوط به پیشگیری از اعمال تروریستی‌اند و این پیشگیری می‌تواند از طریق شناخت علل و ریشه‌های تروریسم ممکن باشد. برخی دیگر نیز به درمان، ترمیم و بازسازی روانی و جبران خسارت قربانیان مربوط می‌شود. شایسته همه این اقدامات در کنار هم مدنظر جامعه بین‌المللی قرار گیرند و به صرف تنبیه و مجازات عاملان بسنده نشود.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد که دولت‌ها با وجود فقدان اجماع بر روی تعریف مشخص و شست و رفته‌ای از تروریسم، باید از تلاش‌ها برای گنجاندن جرایم تروریستی به عنوان

جرمی مستقل در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صرفنظر کنند و اهتمام خود را برای سوق دادن جامعه بین‌المللی برای درخواست از دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم تروریستی ذیل جرایم مندرج در ماده ۵ رهنمون سازند. همچنین شایسته است که جامعه بین‌المللی به منظور پیگیری جنبه‌های حقوق کیفری مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، آستانه بالایی از همگرایی و توافق را شکل دهد. در نهایت شایسته است که شبکه سازمان‌های مردم نهاد مرتبط با حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، نخبگان و رسانه‌ها مسیر درک بهتر جهانی از جرایم تروریستی را تسهیل و شکل‌دهی ائتلاف مدنی بین‌المللی برای مجازات عاملان جرایم تروریستی را پیگیری نمایند.

منابع:

مقالات

- آزمایش، سیدعلی (۱۳۸۳)، نگرشی نو به مفهوم تروریسم بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳
- آقایی خواجه پاشا، داود (۱۳۹۲)، تحلیلی بر راهکارهای سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل، سیاست، شماره ۴۳، صفحات ۲۳۷-۲۵۶
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، تحول تروریسم در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، صفحات ۱۴۵-۱۷۰
- جعفر کوشا و پیمان نمایان (۱۳۸۷)، جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳، صفحات ۲۳۴-۲۵۸
- حکیمی‌ها، سعید (۱۳۹۰)، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال مبارزه با تروریسم، سیاست دفاعی، شماره ۷۶، صفحات ۵۵-۱۰۰
- سعید حکیمی‌ها و محمدجعفر حبیب‌زاده (۱۳۸۶)، ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران، مدرس علوم انسانی، شماره ۵۱، صفحات ۴۷-۷۱
- سعید عدالت نژاد و سید حسین نظام‌الدینی (۱۳۹۰)، سلفیان تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۳، صفحات ۱۶۵-۱۹۸

- صمد فیرحی و داوود ظهیری (۱۳۸۷)، تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳، صفحات ۱۴۵-۱۶۵

سایت

- خبرگزاری بصیر (۱۳۹۳/۳/۲۵)، پشت پرده گروه تکفیری داعش چه کسانی هستند، مشاهده شده در ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل دریافت در:

<http://www.basirnews.ir>

- دوسانتی، ماسیمو (۱۳۹۲)، پیشگیری از تروریسم در پرتو صلح عادلانه، قابل دریافت در:

<http://www.iwpeace.com/articles/5491>

- سلیمانی، رضا (۱۳۹۲)، نقد واسازانه بر مفهوم‌سازی گفتمان غربی از تروریسم، قابل دریافت در: ۱۳۹۳/۵/۲

<http://www.habilian.com>

- شم‌آبادی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، گفتگو با جناب دکتر رحیم نوبهار در خصوص مبانی فکری تکفیری‌ها و ضدیت آنان با حقوق انسانی، قابل دریافت در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ در پایگاه تخصصی فق و حقوق

- غلامی، فتاح (۱۳۸۸)، تکفیری‌ها چه کسانی هستند، : قابل دریافت در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، در پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور:

www.terror-victims.com

- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۳)، راهکار ایدئولوژیک و فرهنگی برای مبارزه با تروریسم لازم است قابل دریافت در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۵:

<http://www.pana.ir/Pages/Printable-News-293623.aspx>

- هافمن، پل (۱۳۸۵)، حقوق بشر و تروریسم، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی، شماره ۳۴

منابع انگلیسی

- Crenshaw, Martha (2005), **Political Explanations in Addressing the Causes of Terrorism**, The Club de Madrid.

- Eland, Ivan (2008), **Does US Intervention Overseas Breed Terrorism**, The Historical Record Cato, Foreign Policy Briefing.

سایت

- BBC News (2 September 2014), **BBC News – Iraq crisis: Islamic State accused of ethnic cleansing**. Retrieved 31 october 2014 in <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-29026491>.

- McCoy, Terrence (13 June 2014), **ISIL, beheadings and the success of horrifying violence**, The Washington Post. Retrieved 23 June 2014 in, <http://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/06/13/isis-beheadings-and-the-success-of-horrifying-violence/>.

- Reuters (28 August 2014), **Video shows Islamic State executes scores of Syrian soldiers**. Retrieved 28 October 2014 in <http://www.reuters.com/article/2014/08/28/us-syria-crisisidUSKBN0GS10O20140828>.

- RTTnews (24 June 2014), **ISIL Militants Killed More Than 1000 Civilians In Recent Onslaught In recent Onslaught in Iraq: UN**. RT News. Retrieved 28 October 2014 in <http://www.rttnews.com/2340932/isil-militants-killed-more-than-1000-civilians-in-recent-onslaught-in-iraq-un.aspx>.